

نامه سرگشاده خانواده بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی:
فرزندمان به چه جرمی محکوم به ۲۰ سال زندان است؟!*

مردم ایران و جهان کارگران و زحمتکشان! تمام کسانی که بهنام نیز مانند شما یک زحمتکش بود!
اتحادیه های کارگری که بهنام نیز مانند یکی اعضای کارگران شما بود!
بهنام ابراهیم زاده، فرزندمان در ۲۲ خرداد سال ۸۹ سوار اتوبوس شرکت واحد در مسیر میدان انقلاب
و آزادی دستگیر می شود. او برای اعتراض به دستگیری بی دلیلش و حبس در سلول انفرادی بند ۲۰۹
زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد؛ در نتیجه این اعتصاب او دچار بیماری شدید گردید و عاقبت او
را به بند ۳۵۰ اوین منتقل کردند. زمان اعتصاب غذایش به ۳ هفته متمادی کشید.
در دادگاهی که هیچ شباهتی به دادگاه و عدالت نداشت او به بیست سال زندان محکوم گردید که این
حکم از بیسابقه ترین حکم های جمهوری اسلامی ایران است.
طی این یک سال، تمام تلاشمان بی حاصل ماند و فقط همان محکومیت بیست سال را از سازمانها و
نهادهای شنیدیم. ما شاهد سپری شدن عمر عزیزمان در پشت درهای زندان منحوس اوین هستیم.
ما اکنون رو به تمامی انسانهای شریف و آزادیخواه ایران و جهان و تشکلهای کارگری و سازمانهای
مدافع حقوق بشر آورده ایم. ما از همه کارگران و نهادهای کارگری میخواهیم که برای آزادی این
عزیزمان که پدر فرزندی است و همسری تنها که چشم به راه وی هستند تلاش کنند. ما برای آزادی
بهنام ابراهیم زاده امیدواریم و چشم انتظار کمک برای او و دیگر زندانیان سیاسی هستیم.

خانواده بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی محکوم به بیست سال زندان.
خرداد ماه ۱۳۹۰ – ایران

* * * * *

بهنام ابراهیم زاده نباید در زندان بماند!

بهنام ابراهیم زاده، (اسعد) دوست بزرگ کودکان، فعال دفاع از کودکان کار و خیابان، یار و یاور دهها
خانواده کارگری، کارگر کارخانه لوله سازی، جوانی پر شور و عدالتخواه، دقیقاً به همین جرمهایی که
در بالا می خوانید دستگیر شد، با تکی مجروح و خونین به شگنجه گاه اوین برده شد. برای آزادیش به
قید وثیقه تا توانستند مانع تراشی کردند. وزرات اطلاعات برای تحت فشار گذاشتن بهنام، خانواده وی
در اشتهویه را چندین بار احضار و بازداشت نمود. گفتند سند صد میلیون تومانی بیاورید، بهنام خودش
نپذیرفت، گو اینکه خانواده دست تنگش امکان نداشتند چنین سند سنگینی را تهیه کنند. بهنام در زندان
ماند، بیست سال حبس گرفت. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، همان دستگاهی که کودک اعدام می
کند، بزرگسال اعدام میکند، سنگسار میکند، چشم کور میکند، دست میبرد، گردن میزند، شلاق کش
میکند، هزار و یک زندان آشکار و نهان دارد، بهنام را به بیست سال زندان محکوم کرد! جرم بهنام
بسیار بزرگ بود، قابل بخشایش نبود، جمهوری اسلامی نمی توانست از آن بگذرد. بهنام از کودکان
کار و خیابان دفاع کرده بود، گفته بود این سرنوشت غیر انسانی است، کسی نباید کودکان را استثمار
کند، گفته بود نباید هیچ کودکی از دسترسی به آموزش و بهداشت محروم شود. گفته بود هیچ کودکی
نباید آواره خیابانها باشد. جرمش خیلی سنگین بود. به کودکان بی سرپرست کمک کرده بود. نمی
خواست کودکان مورد تعرض و ستم قرار بگیرند. وجدان آگاه مردم شریف را به کمک طلبیده بود. می
خواست روی سر هر کودکی سقفی باشد، توی دست هر کودکی کیف و کتاب و اسباب بازی باشد. می
خواست کودکان پشت میز و نیمکت دبستان و میدان ورزش و بازی باشند، توی کارگاههای نمود
و بیقوله ها و کوره های آجر پزی نباشند. نمی توانست تحمل کند تنفروشی و اعتیاد، کودکان خیابان را
ببلعد. نمیتوانست کودکان را در زباله دانهها سرگردان ببیند.

بهنام دوست بزرگ بچه ها جرمش سنگین بود آنقدر که هنگام دستگیری چنان مجروحش کردند که دنده
های سینه اش شکست. اما به جای انتقال به بیمارستان طعمه شان را به اوین بردند. جرمش سنگین بود.
سنگین تر از سنگین. بهنام می خواست کار کودکان قدغن باشد. این جرم قابل بخشش و گذشت نیست!

بهنام دوست بزرگ بچه ها نباید در زندان بماند! باید بیدرنگ آزاد شود. هزاران کودک آواره و گرفتار در دست بیرحم بازار کار دستان پرتوان بهنام را می خواهند. نگاه گرمش را میخواهند. کلام دلنشینش را میخواهند.

جمهوری اسلامی با اعمال فشار بر فعالین دفاع از حقوق کودکان تلاش دارد وضعیت فاجعه بار کودکان و کودک آزاری سیستماتیک خود را پنهان دارد. جرم بهنام دفاع از حقوق صدها هزار کودکی است که بواسطه اعمال فقر تحمیلی حکومت اسلامی به جامعه، آواره بیقوله های کار و خیابان شده اند، بهنام را دستگیر کرده اند تا دستگاه کودک آزاری سیستماتیک خود را سرپا نگهدارند! آنچه که در زیر میخوانید پیام بهنام ابراهیم زاده بمناسبت دوازده ژوئن روز مبارزه علیه کار کودکان است. که سال قبل منتشر شد. بهنام در زندان هم دفاع از کودکان را ادامه داد. در هر فرصتی که بدست آورد دلنوشته هایش برای کودکان را منتشر کرد:

به بهانه دوازده ژوئن روز مبارزه علیه کار کودک

در دنیایی زندگی میکنیم که هر روز سردمداران حاکم حرف از پیشرفتهای بزرگ در علم، تکنولوژی و صنایع می زنند که همواره سودهای بسیار کلان برایشان به ارمغان می آورد ولی هنوز تعداد کودکانی که در فقر زندگی می کنند بالغ بر یک میلیارد نفر است. دنیایی که سرشار از کالاها و ثروتی است که حاصل کار و تلاش اکثریت جامعه است اما تنها در انحصار تعداد بسیار اندکی قرار دارد. این دنیا با انسانیت بیگانه است زیرا طبق آمار هر ثانیه یک کودک بر اثر نبود غذا و امکانات بهداشتی جان خود را از دست می دهد. در شرایطی که کودکان از نابرابری، فلاکت و تبعیض رنج می برند و هزاران کودک به دلیل فقر روز افزون خانواده ها مجبور به کار می شوند و عامل نگران کننده تر در این زمینه نظارت ناپذیری در زمینه بهره کشی از کودکان، ارزان قیمت و پنهان بودن کار آنهاست. در دنیایی زندگی می کنیم که هزاران کودک بی پناه و خیابانی شبها را در کارتن ها سپری می کنند بسیارند کودکانی که به جرم بزهکاری روانه زندانها شده و بعد از سپری کردن سالها حبس، سرانجام اعدام می شوند. کودکانی که دائما در معرض آزار، شکنجه و تحقیر هستند و در تمام زندگی طعم تلخ این آزارها و حقارتها را با خود دارند. این کودکان جرمی مرتکب نشده اند بلکه قربانیان شرایط موجود هستند. حقایق آمارها و گزارشات همگی موید این واقعیت تلخ اما انکار ناپذیر هستند. نباید نسبت به این شرایط سکوت کرد. خواست ما این است که همه کودکان از تمامی حقوق انسانی و اجتماعی فارغ از هر گونه قیود جنسیتی، نژادی و فرهنگی برخوردار باشند.

بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کودک خرداد ۸۹